

آیات الاحکام ج ۶

شنبه بیست و هفتم آذرماه هزار و چهارصد

آیات الاحکام ۲

نشست ششم

گفتگوی از آیه محاربه (آیه ۳۳ از سوره مبارکه مائده)

اللهم عجل لوليک الفرج واحفظه من کل سوء واجعلنا من خیر اعوانه وانصاره

دیروز ماده ۲۸۶ از قانون مجازات اسلامی ۹۲ را با هم خواندیم ؛

قانون بایسته هایی دارد و یکی از بایسته های قانون حتی الامکان پرهیزقانون گذار هست از الفاظ کیفی و کمی کردن مفادها تا ممکن است

امری که بر قانونگذار جمهوری اسلامی کمتر اهمیت آن درک شده است. نمونه آن این قانون است.

صحبت بر سر این است که گاه فردی معاملات قانونی کرده و در ماده قانون از اختلال در نظام اقتصادی کشور بحث شده است، سوال این است که آیا این مصداق اخلاق است؟

سوال این است که چقدر سکه ذخیره کرده باشد می شود اخلاق؟

و یا دلار گرفته باشد می شود اخلاق؟

و یا در ادامه ماده قانون دارد به گونه ای که موجب اخلاق در نظم عمومی کشور شود....

حیات قضا به وحدت رویه است؛

گاه این قاضی شما می خواهد که اخلاق شدید را تشخیص و تطبیق دهد، چه باید بکند آیا معیاری هست؟

و یا عبارتی بود: ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانیت افراد..... سوال این است که ما می العمده؟

و یا گفته شده: سبب اشاعه فحشا در حد وسیع گردد..... سوال این است که حد این حد وسیع یعنی چه؟ در محله در کوچه؟ در یک خانواده؟ در یک شهر؟ سوال این است که شما در نهایت می خواهید که اعدام کنید آیا معیارها واقعا تعیین شده است؟!؟

و یا شما از لفظ قدر متیقن استفاده می کنی؟ بحث این است که قدر متیقن چیست؟

این جا است که اهمیت قوانین شفاف را پی می بریم.

و یا فردی کاندید می شود و گفته می شود که باید التزام عملی به اسلام داشته باشد، و یا به ولایت فقیه... سوال این است که التزام داشته باشد یعنی چه و این که التزام عملی داشته باشد یعنی چه و حد و حدود و معیارهای آن چیست؟

گاهی اوقات می شنویم که افراد را به خاطر مواد مخدر اعدام کرده اند، سوال این است که این جریان از کجا آمده؟ کتاب مجموعه قوانین و مقررات جزایی ج اول ص ۸۲۸ را اگر داشته باشید، می گوید:

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۶۷/۸/۳ این قانون را تصویب کرده است. د رماده ۹ می گوید که : مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای یک تا ۵..... بعد مجازات شلاق و در مرتبه چهارم چنان چه مجموع مواد مخدر به سی گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم میشود و حکم اعدام هم در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام انجام خواهد شد. و چنان چه در مرحله چهارم به سی گرم نرسد، مرتکب به بیست تا سی میلیون ریال جریمه نقدی مجازات می شود و....

و یا راجع به ارتشا و اختلاس هم که ماده آن در جلسه قبل خوانده شد در جاعلین اسکناس ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده دارد ...همین کتاب ص ۵۹۸ قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس ؛ووارد کنندگان اسکناس را این گونه بیان می کند که :

هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند ،یا به علم جعلی بودن توزیع و مصرف نماید ، چنان چه عضو باند باشد، یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی را دارد، به اعدام محکوم میشود.همچنین عامل عامد ورود اسکناس به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم میشود.....

به هر حال تا این جا کار، این ها محارب نیستند اما مفسد هستند.

و یا گفته شده: مجازات نیروهای مسلح ، همان کتاب در ج ۲ در موضوع جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می گوید:

هر نظامی (شخص نظامی) که به منظور براندازی جمهوری اسلامی جمعیتی تشکیل دهد، یا اداره نماید و یا در چنین جمعیتی شرکت موثر داشته باشد ،محارب محسوب می شود.

و یا در ص ۹۵۸ راجع به محتکران گفته شده:چنان چه اعمال محتکران برای مقابله با حکومت صورت گیرد، و مرتکب مصداق محارب باشد ،به مجازات محارب محکوم می شود.

تا این جای کار مشخص شد که قانون گذار ما یک تلقی از محارب دارد و یک تلقی هم از مفسد فی الارض دارد.

ممکن است بگویید هر محاربی مفسد است اما نمی گوید هر مفسدی محارب است.

بحث این است که معیارهای مفسد فی الارض هنوز مخصوصا از حیث کمی بیان نشده است....

باید دید فقهای ما در طول تاریخ ، محارب را چه معنا کرده اند.

و این را هم بگویم که بسیاری از افراد که به عنوان محارب اعدام میشوند در واقع این ها محارب نیستند.

جناب اردبیلی در زبدة البیان می گوید:

عُرِفَ المحارب في الفروع، من شهر سلاح لاختافة المسلم في البر والبحر والظاهر ان المراد من شهره ليخوفه من القتل بحيث لو لم يخف، و لم يترك المال له قتله... لاكل من شهر السلاح لاختافة.... ويسعون في الارض فسادا كانه بيان لتحقيق معنى المحاربة و تأكيد لثبوت حقيقته ..

برخلاف ادعای عده ای که معتقد بودند آیه محاربه جریان محاربه را از افساد جدا کرده ولی آقای اردبیلی می گوید که به یک گروه صرفا اشاره می کند؛ به هر حال سوال این است که آیه دو گروه را می گوید یا دو گروه را بیان می کند؟

سوال این است که آیا ما می توانیم از آیه محاربه دو نهاد را استنباط و استنتاج کنیم؟

آقای اردبیلی می خواهد بگوید گویا قرآن آن محاربه را که قدری کیفی است ، آن را کمی کند...و کمی کردن آن هم به این شکل هست که بگوید منظور من قرآن، از این اصطلاح آدمی است که روی زمین فساد می کند.

یا برخی می گویند: المحارب كل من جرد سلاحه او جهزه لاختافة الناس واردة افساد في الارضو به نوعی این دو اصطلاح را یکی می کنند.

نکته این است که آقای اردبیلی می گوید: لاختافة المسلم اما ساييرين لاختافة الناس را مطرح می کنند.

کتابی آقای محمد مومن به نام کلمات سدید دارد که در آن میگوید: كلمة في المحارب و المفسد في الارض که این دو را از هم مجزا می کند من پیشنهادی دارم که خودتان در این باره مطالعه کنید و ببینید به چه نتیجه میرسید.

در فصلنامه فقه اهل بیت شماره ۱۱ و ۱۲ مقاله ای هست از مرحوم آقای شاهرودی در این باره که محارب کیست و محاربه چیست...

از منابع قابل مطالعه است و کتاب الحدود مرحوم آیت الله فاضل که ایشان هم در این موضوع ورود کرده است.

من مجموعاً بعد از مطالبی که در جلسات قبل بیان شد به این نتیجه رسیدم؛

۱. آیه ۳۳ از سوره مائده از محکمت قرآن است باید به ظاهر آن عمل نمود و هیچ اتفاق یا روایتی برخلاف آن در اختیار نداریم
۲. آیه به یک گروه اشاره دارد. آقای مومن اگر به دو گروه اشاره داشت، الذین تکرار می شد.
- در آیه الذین یسعون این الذین که دومین است صله الذین اول است و در واقع الذین یک بار آمده است. یا اگر لفظ «او» به کار رفته بود الذین تکرار نمی شد بلکه کار تکرار می شد.
- این مثل این است که بگوییم همانا جزای کسانی که اسکناس چاپ می کنند، و منتشر می کنند، یا اسکناس چاپ می کنند و اختلاس می کنند،.... باید پرسید این جریان آیا کسانی را که اختلاس می کنند اما اسکناس چاپ نمی کنند را و یا برعکس را هم شامل می شود؟
۳. من نمی دانم این حداز وسعت دادن به دایره شمولیت آیه از کجا آمده که اگر مثلاً پسر بچه ای کیف قاپی کرده و تهدید هم کرده، او را اعدام کنند!..... بحث این است که کسی توجیه کننده کار هر خلافکار و این گونه جوانان نیست، اما سوال این است که می توان به این ها گفت: محارب؟!
۴. امروزه برای محارب مخصوصاً در بعد حمل سلاح که مصادیق جدیدی پیدا شده است.

من این نکته را هم نوشته ام که روایات وارد در تفسیر آیه، با آیه تفسیر می شود. و رابطه دو سویه دارد نه یک سویه ...

یادتان هست بحثی بود که گفتیم روایاتی که ذیل آیات می آید، برخی وقتها، روایت آیه را تفسیر می کند و دوباره آیه همان روایت را تفسیر می کند.

بحث مفسد فی الارض را ما گفتیم به تنهایی از این آیه برداشت نمی شود مگر این که محارب باشد و لی این را هم به شما بگویم راهپایی برای جرم انگاری فساد در زمین وجود دارد حتی تا مرز اعدام. در نقطه مقابل هم هستند کسانی که یقه سفیدند و سوپردولوکس و خیلی شیک اما مجرم اند و مفسد و محارب هم به این معنا نیستند سلاح دستشان نیست اما قلم دستشان هست.

این جا است که ما راه مان از برخی دیگر جدا میشود.

منتها جان مردم ارزشمند است.

نباید احساسی عمل کرد و بر موج احساسات سوار شد و وقتی دید که اوضاع بهم ریخته هست و مردم هم عصبانی اند، بیاییم و دو نفر را هم اعدام کنیم و بگوییم مردم دیدید ما دو نفر را هم اعدام کردیم!! و یا افرادی که در مواقعی و مواضعی تریبون چه در خطبه ها و یا غیر آن به آن ها داده می شود، اظهار نظر کنند..... در حالی که این ها حقشان نیست که در اینموقعیت ها قرار گیرند و نظر بدهند..... برخی همه دان هیچ دان اند.